



جایگاه گفتمان مقاومت فعال در گفتمان‌های کلان سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مرتضی علویان، غلامرضا ضابط پور کاری، سید صالح موسوی^۳

چکیده:

اسلام همواره برای مفهوم مقاومت جایگاه و اعتبار خاصی قائل بوده است و به همین اعتبار این اصطلاح را به عنوان مفهومی بومی در نظر می‌گیرد. در رویارویی با ظلم قرار داشتن این مفهوم و گفتمان را شکل داده است. یکی از اندیشمندانی که در باب این مفهوم بحث کرده فوکوست. شکل‌گیری هویت و عنصر مقاومت بازنمای روایتی جدید بوده که از اسلام نشأت گرفته است و از طریق ارزشهای اصیل اسلام تلاش دارد تا شاخص‌های مطلوب غرب را براساس قالب‌های گفتمانی متفاوت بازنمایی و تغییرات اجتماعی را در سطوح مختلف داشت باشد. سوال اصلی که این مقاله ای در پی پاسخ به آن است عنصر مقاومت در گفتمان‌های کلان سیاسی جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟ در این پژوهش سعی خواهیم کرد تا با استفاده از تحلیل گفتمانی لاکلا و موفه مهمترین مولفه‌ها را دریابیم. همچنین در این مقاله از روش مورد مطالعه اسنادی و کیفی استفاده شده است. مهمترین یافته‌های پژوهش عبارتست از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهمترین مولفه‌های گفتمان اصولگرا، دال مرکزی اسلام سیاسی، صدور انقلاب اسلامی، نفی سبیل، عدالت سیاسی، حمایت از مستضعفین و دال‌های گفتمان اصلاح طلب در جمهوری اسلامی ایران اسلام دموکراتیکی، دموکراسی، حقوق بشر، قانونگرایی، آزادی و پوزیتیویسم و دال‌های گفتمان انقلابی گری اسلام انقلابی، استقلال، حساسیت نسبت علیه دشمن هست.

واژگان اصلی: گفتمان مقاومت، لاکلا و موفه، گفتمان اصلاح طلب، اسلام سیاسی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بابلسر، ایران

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، بابل، ایران

۳. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

گفتمان را می‌توان رویکردی ساختار محور به متن دانست که امکان اتصال متن به تمامی ابعاد و جنبه‌های جامعه شناختی را فراهم می‌آورد. با توجه به اینکه گفتمان محصول مطالعه زبان به عنوان پدیده اجتماعی با رویکردی جامعه شناختی به مقوله زبان داشته، از این رو می‌توان متن را امری اجتماعی دانسته که در خلال روابط اجتماعی و نه مستقل و بیرون از آن تکوین می‌یابد. (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۱).

پس نظام گفتمانی در هر ساختار و بستری می‌تواند شکل بگیرد. در جمهوری اسلام ایران نظام معنایی گفتمان‌های مقاومت‌گرا و اصلاح طلب حول تقابل‌های گفتمان‌های کلان تجدد و سنت و نظام معنایی مستفاد از آن، با خلق و معنادهی به دال‌های مرکزی خویش و با تفسیرهای خاص از اسلام و مردم شکل گرفته و به تقابل با همدیگر پرداخته‌اند. باید گفت که غالب تحولات اجتماعی ایران در اساس ریشه در دو گفتمان کلان سنت‌گرایی و تجدد‌گرایی دارد. حداقل از آن زمان که غرب چه در چهره مدرنیته و چه در سیمای یک قدرت جهان شمول و دارای هیمنه و اقتدار بی‌بدیل در سپهر اندیشه ایرانی جای گرفت، معمای رابطه بین اسلام و غرب و سنت و مدرن نیز درون مایه‌ی اصلی بسیاری از گفتمان‌های اجتماعی، سیاسی، فلسفی و فرهنگی شد. حول این گفتمان‌ها هویت‌های متفاوتی شکل گرفته و در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند (تاجیک، ۱۳۷۸: ۸۲).

واژه ((ثبات قدم)) نیز در قرآن مفهوم مقاومت را در بر دارد. این اصطلاح به مفهوم نیرومندی و پایداری در برابر دشمن در قرآن مطرح شده است. اول آن که به عنوان یک اصل استوار در میان گروه مومن به خدا در طول روزگاران در سوره آل عمران از زبان قرآن این‌گونه بیان شده که: ((وثبت اقدامنا، وانصرنا علی القوم الکافرین)) در جای دیگری خداوند خطاب به مومنان فرموده است: ((یا ایها الذین آمنوا اذا لقیتم فئةً فاثبتوا...)) (ای اهل ایمان! هنگامی که در میدان نبرد با گروهی از مشرکان و کافران برخورد کردید، ایستادگی نمایید- سوره انفال آیه ۴۵).

در ایران نیز این گفتمان در بعد از انقلاب اسلامی به صورت بارز در وجوه سیاسی و اجتماعی ساختار حاکمیتی خودنمایی می‌کند و به عنوان یکی از مهمترین گفتمان‌های حاضر در عرصه روابط بین‌المللی و گفتمان منطقه‌ای ایران ظهور کرده است.

و از طرفی ظهور فرهنگ مدرن غرب در ایران، محصول ارتباطات فزاینده با غرب، اصلاح

نظام اجتماعی و فرهنگی ایران از اواخر قرن نوزدهم، پیدایی طبقه روشنفکران اصلاح طلب، نوسازی فرهنگی، آموزشی و اقتصادی و اجتماعی توسط دولت پهلوی و ادغام تدریجی ایران در نظام جهانی بود. این تحولات به تدریج واکنش فرهنگی گسترده‌ای ایجاد کرد که در قالب بازگشت به سنت‌های مذهبی و سیاسی کردن عقاید دینی تجلی یافت. توجه به احیاء فرهنگ اسلامی بلافاصله بعد از سقوط رژیم طرفدار نوسازی و مدرنیته رضاشاه گسترش یافت. جنبش احیا و تجدید اسلام در این دوران اولیه (۱۳۴۰-۱۳۲۰) بیشتر خصلت فرهنگی داشت تا سیاسی، اما در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، خصلت سیاسی آن جنبش برجسته تر گشت (بشیریه ۱۳۷۹: ۴۸). رویکرد رژیم پهلوی به غرب نه تنها تدافعی نبود بلکه رویکرد مثبت و انفعالی بود اما این رژیم در برابر فرهنگ عربی برخوردار استعلاایی داشت. بعد از انقلاب اسلامی جریان‌های فرهنگی متکثر و متنوعی در جامعه ایران واقعیت داشته اند و به رغم همه عوامل، توانسته اند کم و بیش به حیات و حضور مؤثر خود در عرصه گفتمانی جامعه ادامه دهند. رویکردها، گفتارها و مطالبات فرهنگی منحصر به بخش اسلامی و مذهبی نبوده بلکه رویکردهای دیگری مثل ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، سکولاریزم، مدرنیسم، مدرنیسم انتقادی و پست مدرنیسم در جامعه ایران واقعیت و ریشه داشته اند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال است که مهمترین مولفه‌های گفتمان اصولگرا و اصلاح طلب و انقلابی‌گری در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

۲) پیشینه تحقیق

اردکانی و خالدیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان مولفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام بیان می‌کنند که، برای تبلور و استمرار و تقویت گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه و همچنین تقابل و غلبه بر گفتمان‌های بنیادگرا و غربی، می‌توان شاخص‌ترین مولفه‌های فرهنگی مقاومت اسلامی و اعتقادات دینی در قالب هویت ملی و ایدئولوژی اسلام سیاسی را تقویت نمود. همچنین در صورت عدم حمایت و غفلت از یکایک این مولفه‌ها گفتمان مقاومت اسلامی دچار چالش‌ها و صدمات جبران‌ناپذیری از سوی گفتمان‌های معاند می‌گردد.

قاسمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی بیان می‌کند ژئوپلیتیک محور مقاومت پس از پیروزی انقلاب

اسلامی، با تعریف گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، امریکا و استکبار جهانی با نقش محوری و رهبری ایران تعریف شد ماهیت گفتمانی انقلاب اسلامی تأثیرات بنیادی و عینی بر محور مقاومت در مقابل استکبار و رژیم صهیونیستی داشته است. اثبات این فرضیه از طریق تحلیل گفتمان به مثابه روش و تحلیل نظری، تحلیل شده است.

خرسند (۱۳۹۶) در پایان نامه خود با عنوان بررسی تطبیقی دو گفتمان اسلامی و غربی توسعه سیاسی در ایران معاصر بیان می‌کند. خرده گفتمان‌های نواندیشی دینی و اصولگرایی دینی در گفتمان مشروطیت و گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی، نگاهی اسلامی به مؤلفه‌های توسعه سیاسی داشته‌اند. مقایسه این گفتمانها و خرده گفتمان‌های زیر مجموعه آنها، نشان از نقاط افتراق و اشتراک آنان دارد. مهم‌ترین نقطه افتراق گفتمان‌های اسلامی و غربی توسعه سیاسی، وجود یا عدم وجود عنصر سکولاریسم در زنجیره هم‌ارزی آنان است. انسان محوری به عنوان دال مرکزی گفتمان‌های غربی توسعه سیاسی و خدامحوری، نقطه کانونی گفتمان‌های اسلامی توسعه سیاسی بوده‌اند. نقاط اشتراک این دو نوع گفتمان، وجود دال‌های شناوری نظیر آزادی، مشارکت، مردم‌سالاری و آزادی است که با قرار گرفتن در زنجیره هم‌ارزی گفتمان، معنای متفاوتی پیدا می‌نمایند.

۳) مفهوم شناسی مقاومت فعال در گفتمان اصولگرا، اصلاح طلب و انقلابی گری

((مقاومت)) در لغت و اصطلاح به معنای به‌پا داشتن و برخاستن و نیز پایدار ماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به معنای با کسی با هم برخاستن یا با هم از جا بلند شدن و باکسی ضدیت کردن و نیز ایستادگی و پایداری کردن است. از معنای لغوی مقاومت چنین بر می‌آید که به رویارویی در میدان جنگ محدود نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم‌زننده تعادل و توازن را شامل می‌شود. از دیگر سو، برخلاف تصور رایج، مقاومت به معنای انفعال و انزوا و بی‌حرکی نیست، بلکه مقاومت در ذات خود به پویایی، تحرک و اقدام رو به جلو مشهود است؛ بنابراین مقاومت به مثابه تعریفی گفتمانی، مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که در یک فرآیند، نظام معنایی خاصی را شکل می‌دهد.

با توجه به شکل‌گیری ابعاد جدید هویت مقاومت می‌توان آن را متأثر از بازنمایی از اسلام دانست که از طریق تأکید بر ارزش‌های دینی و اسلامی سعی داشته تا مطلوبیت‌هایی که آزموده جهان غرب بوده را براساس قالب‌های گفتمانی متفاوت بازتولید داشته و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های ایجاد کند. (مختاری؛ دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

باید اذعان داشت که یکی از شاخص‌های ضد نظام که فرماسیون نظام جهانی را به چالش کشاند، انقلاب اسلامی و در مقام مهم‌ترین سازه شناختی - اخلاقی پارادایم مقاومت می‌باشد. در مقابل گفتمان اصلاح طلب به باز تولید تقابلهایی از جمله مدرنیته، علم، دین و ایران باستان/ اسلام اهتمام ورزید که بیانگر ایمان راسخ روشنفکران اصلاح طلب به فرا روایت مدرنیته غربی است. گفتمان اصلاح طلب منطق تقابلی و سلسله مراتب عمودی را باز تولید کرد که اساساً در ستیز با سنت‌ها و ارزش‌های دینی و اسلامی قرار داشت. بنابراین عقلانیت شناختی و منطق مادی‌گری و اثباتی مدرنیته خود را در مقابل ارزش‌های معنوی و دینی جامعه یافت و هرگونه آموزه و اندیشه‌ای را که متناسب با علوم جدید و اثباتی نباشد غیر علمی، غیر مدرن دانست. در واقع بازی تقابلهای دوتایی و معانی قطعی گفتمان مدرنیته بر اندیشه و روح جامعه ایرانی سایه افکنده بود که هرگونه نسخه غیر غربی برای درمان نابسامانی‌های جامعه ایرانی را انکار کرده و پیروی بی چون و چرا از اندیشه و ارزش‌های مدرنیته را اجتناب ناپذیر می‌دانست. با توجه به قرار داشتن عناصر تشکیل دهنده گفتمان غرب ستیزی در مقابل گفتمان غرب گرایی، می‌توان به این باور دست یافت که تنظیم رابطه با جهان مدرن از سوی غرب‌گرایان ایرانی با نگاه رقیب فکری خویش وضعیت دوسویه‌ای را محتمل میدارد. سوی اول اینکه سنت‌ها جاری و گذشته بوده و سوی دوم بدین صورت که جهان مدرنیته چالش اصلی زمانه بین تجدد با نفس دین و سنت می‌باشد. (نصر، ۱۳۷۶: ۳۵۲).

انقلابی‌گری در منظومه فکری رهبر انقلاب چارچوب مند بوده و تعریفی دارد: زمانی انقلابی‌گری به معنای واقعی کلمه تبلور پیدا می‌کند که ما در مقابل برخی چهره‌های امید بخش کاذب، مرعوب قدرت‌ها نشویم و فریب آنها را نخوریم و مواضع انقلابی و اسلامی خود را قاطعانه و بدون واهمه و رودروایی حفظ و تقویت کنیم. در این حالت است که ما از مشای اسلامی و انقلابی خود عبور نکرده و به آن پایبند بوده ایم. (سعیدی، ۱۳۹۷: ۸۰)

عدالت، خرد، انصاف و قاطعیت، در انقلابی‌گری به یکدیگر پیوند می‌خورند. انقلابی‌گری بر خلاف نظر و تبلیغ برخی‌ها، تدریجی نیست بلکه انقلابی‌گری یعنی عادلانه، خردمندانه دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن.

۴) چارچوب نظری

با توجه به اینکه مباحث مربوط به گفتمان در روزگار ما تحت نفوذ و سیطره علمی و معنوی فوکو قرار داشته، لذا این ارتباط قوی خود را با قدرت و به عبارتی با سیاست هرگز تقلیل نداده است. در نگاه افرادی که از دید زبان‌شناسانه به گفتمان توجه داشته‌اند، در نهایت همان خط و ربط سیاسی در آثار و نگرشان رویت می‌شود. گفتمان در لغت به چند معنی آمده است: که می‌توان به مجادله و مباحثه، مسیر و جریان و راه و روش، گفتگو و مکالمه، پرده نمایش، نماد، قدرت، توان و استعداد تفکر و اشاره داشت. (Philip, 1981, 541)

طبق گفته امیل بن ونیتس از زاویه زبان‌شناسی او «گفتمان» را از زاویه «ارتباطات اجتماعی» در نظر گرفته است. با توجه به این دیدگاه می‌توان گفتمان را سبب عینیت بخشیدن به واژه‌ها و درک وجود عینی آنها دانست.

همچنین از دیدگاه فلسفی هم گفتمان مورد توجه افراید چون کانت، هوسرل، هابرماس، دکارت و نیچه و امثال آنان قرار گرفته است. (Michael Payne, 1996: 145)

واژه گفتمان از جمله مفاهیم مهمی است که در تفکر فلسفی، اجتماعی، سیاسی غرب خصوصاً در نیمه دوم قرن ۲۰ اهمیت بسزایی یافته است. گفتمان در نظریه‌های معاصر و رشته‌های مختلف هنر و علوم اجتماعی به صورت یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مقولات درآمده است، به طوریکه معنا و مفهوم واحد و مورد اجماعی از آن وجود ندارد. به همین دلیل ارائه تعریفی واحد، مورد اجماع، روشن و صریح از آن بسیار دشوار است. هنوز نظریه پردازان علوم اجتماعی و علوم انسانی توانسته‌اند برای ارائه تعریفی مشترک و تعیین چهارچوب‌های دقیق و منطقی به توافق برسند و همچنان بحث و جدل و اختلاف نظر در این خصوص وجود دارد. میشل فوکو در این خصوص می‌گوید: «به جای فروکاستن این واژه باید به معنای آن اضافه کرد. من آن را گاهی (میلز، ۱۳۸۸: ۱۳).

۱-۴ مولفه‌های گفتمان

۱-۱-۴ دال مرکزی

انواع گوناگون نشانه‌های مفصل بندی شده در یک گفتمان از ارزش برابر برخوردار نیستند... مفهوم دال مرکزی به عنوان یکی از مهمترین دال‌ها یک گفتمان از لاکان به عاریت گرفته‌اند. در تعریف دال مرکزی گفته می‌شود عبارات شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل بندی می‌شوند.

همچنین می‌توان آن را به مثابه خیمه تصور داشت که اگر استوار نباشد ساختار خیمه به هم می‌ریزد. به هر حال نشانه ممتازی که دیگر دال‌ها در اطراف آن معنا می‌شوند را دال مرکزی می‌نامند. و باعث نگه داشتن و حفظ دیگر دال‌های در جایگاه و گرایش معنایی خود می‌شوند (خلجی، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

این مفهوم را لاکلاو و موفه، از ژاک لاکان به عاریت گرفته‌اند. لاکان تعبیری تحت عنوان نقطه آجیدن را به منظور توصیف نقطه کانونی متصل‌کننده قطعات یک گفتمان به کار برده است (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۵۵).

۲-۱-۴ دال‌های شناور

نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه برای عناصری که پذیرای توصیف‌های مختلف هستند از اصطلاح دال‌های شناور استفاده می‌کند. می‌توان این دال‌ها را نشانه‌هایی دانست که گفتمان‌های گوناگون برای معنا بخشیدن به آنها با هم در تقابل و مبارزه قرار می‌گیرند. در حالیکه اصطلاح نقطه کانونی به نقطه تبلور در درون یک گفتمان خاص اشاره دارد اصطلاح دال‌های شناور به مبارزه مدام بین گفتمان‌های مختلف برای تثبیت معنی نشانه‌های مهم اشاره دارد (نجرى و نظری، ۱۳۹۱، ص. ۵۵-۵۴؛ منوچهری و دیگران، ۱۳۶۳، ص. ۱۰۸).

۳-۱-۴ مفصل بندی

زمانیکه عبارات پیرامون یک دال کلیدی جایابی شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیریت صورت‌بندی شوند صورت‌بندی می‌گویند. تولید نظام معنایی لازمه مفصل‌بندی می‌شود. بنابراین مفصل‌بندی را می‌توان به عنوان عملی برقرار کننده ارتباط بین عناصر بوده، در صورتی که هویت عناصر در این واکنش تعدیل و تعریف گردد، و گفتمان را کلیت ساخت‌مند حاصل از عمل می‌گویند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۲).

۴-۱-۴ قدرت

قدرت معرفی کردن و اجبار این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌نماید تعریف قدرت از نظر لاکلاو موفه است (کیت نش، ۱۳۸۵: ۲۹). ابزار بسیار مهم یک گفتمان برای تثبیت خود و نفی دیگری قدرت است و پیروزی یک گفتمان بوسیله اعمال این قدرت بر دیگری می‌باشد و از آنجائیکه نقش اساسی قدرت در بقا با نابودی گفتمان‌ها بیش از پیش مشخص می‌شود پیروزی هیچ یک از پیش تعیین شده نیست (fairclough, 2001: 56).

۵-۱-۴ هژمونی

در تبیین نظریه گفتمانی لاکلا و موفه مفهوم هژمونی از اهمیت زیادی برخوردار است. از دید گرامشی هژمونی ناشی از قدرت متقاعد کردن طبقات تحت سلطه توسط طبقه سلطه‌گر است. اما زمانی هژمونی در سرتاسر جامعه وجود دارد می‌توان رویکرد لاکلا را ابراز کرد. عام بودن مفهوم هژمونی در نگاه لاکلا و موفه در مقایسه با روکرد و نگاه گرامشی مطمح نظر است. هژمونی عبارتست که برتری در ساحت سیاسی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد. و بدنبال این مهم است که شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه توسط چه کسی تصمیم‌گیری و اجرا می‌شوند. و در صورتی دال برتر هژمونیک و برتر می‌شود که افکار عمومی معنایی را شکل می‌دهد. (سلطانی، ۱۳۸۳: ۳۷).

۶-۱-۴ خصومت

جامعه وقتی تضادی را محترم و ضروری تصور می‌کند در اندیشه مارکس بدان گرفتار می‌شود ولی امکانیت و محتمل بودن در نظریه و رویکرد لاکلا و موف مطرح می‌شود و طراحی از قبل نیز در قبال قانون وجود ندارد.

در نظریه لاکلا و موفه به امکانی و موقتی بودن و تصادفی بودن نهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها خصومت گویند.

و در صورتیکه تهدید کننده یک گفتمان خصومت باشد می‌تواند ساختار آن را به ورطه سقوط بکشاند پس بنابراین تثبیت شدن یک گفتمان بصورت دائم هیچگاه صورت نمی‌پذیرد. ولی از سوی دیگر وقتی به نظریه مارکس و تضاد ساختاری آن نظر افکنیم متوجه می‌شویم این تضاد حتی می‌تواند سازنده باشد.

بنابراین الزام وجود یک هویت گفتمان هم می‌تواند مایه انسجام باشد هم مایه اختلاف و هم وجه تمایزی بین رقبای خود، بر همین اساس هویت گفتمان از تقابل میان درون و برون شکل می‌گیرد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

مفهوم غیریت و خصومت نقش اساسی در اندیشه لاکلا بازی می‌کند، چرا که به امکانی بودن تنهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد.

باین حال اگر غیریت و خصومت وجود یک گفتمان را همواره در معرض فروپاشی و یا تهدید قرار می‌دهد،

در نتیجه همه گفتمان‌ها خصلتی موقتی و امکانی داشته و هیچ زمان تثبیت نمی‌گردند. در نتیجه شرایط وجود یک گفتمان را می‌توان وابسته به غیر دانست و این غیر همواره هویت‌هایی را ایجاد می‌کند که یک کل تفکیک‌ناپذیر را تشکیل می‌دهد. (لاکلا، ۱۹۹۰: ۲۷-۲۸). بنابراین، خصومت عملکردی دو وجهی دارد، از یک وجه مانع‌عینیت و تثبیت‌گفتمانها و هویت‌هاست، و از سوی دیگر عامل انسجام‌گفتمانی و سازنده‌هویت می‌باشد.

۷-۱-۴ حوزه گفتمانی

این حوزه عبارت از محفظه‌ای از معانی اضافه و بالقوه در بیرون از منظومه گفتمانی خاص است که توسط آن طرد شده‌اند و از طرف دیگر، مواد خامی برای متصل‌بندی‌های جدید فراهم می‌کند. از آنجا که هویت‌ها نسبی و ارتباطی هستند هیچ هویت ثابتی وجود ندارد بلکه این مفصل‌بندی‌های تصادفی و هم‌مونیک است که به طور مثال فرد را کارگر، شهروند، سرباز یا زن جلوه می‌دهد. بنابراین طبقه‌ای به نام کارگر خارج از گفتمان سوسیالیستی وجود ندارد. همه چیز به مفصل‌بندی‌های امکانی و تصادفی بستگی دارد که مواد خام آن از حوزه گفتمانی اخذ می‌شود (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۱۴). البته باید اذعان کرد قدرت در پس گفتمان نقش مهمی دارد و تأثیر آن بر جدی بودن گزاره‌ها در فضای گفتمانی به گونه‌ای است که گفته می‌شود هیچ گفتمانی خارج از حوزه قدرت وجود ندارد (تاجیک، ۱۳۸۵: ۲۷۱).

۵) مولفه‌های گفتمان اصولگرا در جمهوری اسلامی

۵-۱ دال مرکزی: اسلام سیاسی

گفتمانی که حول مفهوم محوری نظام اسلامی شکل گرفته است اسلام سیاسی است. با توجه به اینکه نقطه کانونی این گفتمان اسلام نظریه سیاسی راجه به دولت و سیاست بوده است، باید در نظر داشت مهمترین راه حل عبور از بحران‌ها و چالش‌ها می‌بایست بازگشت به پیام و آموزه‌های اسلامی باشد. همچنین هدف اصلی این گفتمان را می‌توان بازسازی جوامع اسلامی در تطبیق و همخوانی با اصول و آموزه‌های اسلامی دانست.

همچنین می‌توان فعالیت گفتمان غرب در راستای پخش فرهنگ و هنجارهای لیبرال در کشورهای اسلامی و ترسیم سناریوی سلطه هم‌مونی تمدن خود را، یک از مهمترین علت‌های فعالسازی و ظهور گفتمان مقاومت در جهان اسلام دانست، که با توجه به ظرفیت‌های بالقوه آن،

چالش‌های اساسی را برای گفتمان غرب بوجود آورده است. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۲۳).

با وقوع و شدت منازعات و چالش‌هایی که در نظام سرمایه‌داری که در دوره معاصر پدیدار گردید، شاهد اشاعه الگوها، و ارزشها و نظامها و نمادهایی را که در پیوند عمیقی با سرمایه‌داری توسط صاحبان قدرت و ثروت اعمال و ترغیب میشود، هستیم. با توجه به نظریه والرشتاین، ماهیت نظام سرمایه‌داری، علت اصلی این منازعات در سطح جهانی می‌باشد.

در این روند، تکامل ابزاری و عقلانی در کشورهای غربی یعنی قلب نظام سرمایه‌داری ایجاد شده است. ، امکان جدال و رویارویی جهان غرب با سایر حوزه‌های اقتصادی، استراتژیک و تمدنی به هر میزان که چنین تکاملی ایجاد شود افزایش بیشتری پیدا می‌کند (روی، ۱۳۸۸: ۴۴).
بیشترین نقش و دال مرکزی در گفتمان اصولگرا در جمهوری اسلامی که سایر دال‌ها حول محور آن معنا پیدا می‌کنند اسلام سیاسی مبتنی بر فقه شیعه دوازده امامی است.

۵-۲ دال‌های شناور

۵-۲-۲ صدور انقلاب

مفهومی که بعد از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی مود توجه قرار گرفت صدور انقلاب اسلامی بود. و از این اصل بعنوان مهمترین اصل در دعوت به مکتب اسلام می‌توان اشاره کرد. و این اصل دعوت برای پذیرش دین اسلام از جانب مسلمانان به افراد غیر مسلمان است که از طرق‌های مختلفی انجام شده است.

اصل دعوت یکی از مهمترین و ابتدائی ترین اصول در سیاست خارجی در اسلام بوده که در سیره و سنت و رفتار پیامبر به وضوح قابل مشاهده است.

آیه (لا اکره فی الدین) به عنوان مبنای بسیار مهم برای اصل اختیار و آزادی در نظریه دعوت است. امام خمینی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از این اصل، مفهوم صدور انقلاب را مطرح نمودند: پشتیبانی از فقرا و مستضعفین جهان و کوشش در جهت صدور و ارسال انقلاب در تمام ابعاد از وظایف مهم ماست. کوشش در جهت نابودی مسلمانان توسط نظام سلطه انجام می‌پذیرد. و در این جهت ما باید از محیط بسته خارج بشیم.

یقیناً دشمنی قدرت‌های حاکم جهانی، نشأت گرفته از ماهیت اعتقادی و مردمی انقلاب کبیر اسلامی است، که آن را به کانون امید و بیداری و آگاهی ملتها، به ویژه مسلمانان خاورمیانه داشته است. ب توجه به نیاز دو سویه انقلاب اسلامی و طرفداران منطقه ای و فراملی، امام خمینی (ره)

از بدو پیروزی انقلاب برای انتقال تجربیات و آموزه های دینی خویش به دیگر جوامع ستم دیده و آزادی خوا، طرح اندیشه صدور را مطرح نمودند، تا بتوان از طرفی به یک اندیشه ضابطه مند تبدیل گردد و با جریان ها و نگرشهای گوناگون مواجه شده، و از طرفی بتوانند در آینده نه چندان دور ابعاد گوناگون آن را ترسیم نمایند. (اردکانی، ۱۳۸۶: ۳۶).

۳-۲-۵ حمایت از مستضعفان

دفاع از سرزمین ها و منافع مسلمانان، اصلی کلی در سیاست خارجی دولت اسلامی محسوب می شود. این مسئله از موضوعاتی است که نیاز به برنامه ریزی و تصمیم سازی دارد و به عنوان یکی از اهداف مهمی است که در آن امکان ایجاد تنش های منطقه ای یا جهانی برای دولت اسلامی وجود دارد. پس لازم است با استراتژی و شیوه های مشخص و کاربردی محقق شود. گستره دفاع از مردم در فرهنگ اسلامی در موارد بسیاری شامل غیرمسلمانان نیز می شود (عیوضی، ۱۳۹۸: ۱۵۲). امام (ره) حمایت از ملت های محروم را در ردیف اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی برشمرده و می فرماید:

سرمایه گذاری در جهت احیای هویت اسلامی مسلمانان توسط جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک هدف در نظر گرفته می شود و در نظر دارد تمام مسلمانان جهان را برای گرفتن و تسلط بر اصول قدرت دعوت کند... و تمام تلاش خود را در جهت رسیدگی به مشکلات و مسائل مبارزان و گرسنگان انجام می دهیم و این را به عنوان یک اصل در سیاست خارجی خود می دانیم (ستوده، ۱۳۸۶: ۹۹).

در دفاع از ملت های محروم و مستضعف در اصل ۱۵۴ قانون اساسی آمده است: در عین امتناع کامل از هرگونه دخالت در مسائل داخلی کشورهای دیگر، از مبارزه و اعاده حقوق مستضعفین در برابر متخاصمین در هر نقطه از جهان با جدیت حمایت میکند. همچنین از نظر ایدئولوژی اسلامی، بدترین نوع استضعاف، استضعاف فکری و فرهنگی است، زیرا ضعف فرهنگی باعث سلب هویت توده های مردم و از خودبیگانگی و ایجاد زمینه پذیرش سلطه و نفوذ قدرت های خارجی می گردد (ستوده، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۴-۲-۵ قاعده نفی سبیل

جمهوری اسلامی ایران در اندیشه و عمل اساساً مبتنی بر وحی یا تعبیر بهتر تفسیر وحی است. آیه نفی سبیل نساء: ۱۴۱، هرگونه سلطه و برتری کافران بر مؤمنان را نفی کرده و مؤمنان را

نیز از پذیرفتن سلطه کافران بازداشته است. از این آیه برای اثبات قاعده نفی سبیل که در فروعات فقهی کاربرد دارد، استفاده شده است.

همچنین معیارهای یک دولت اسلامی در نگاه امام خمینی (ره) را می‌توان، مجری شریعت و حافظ آموزه‌های اسلامی در جامعه قلمداد نمود.

((برنامه‌های مکتب‌گونه مشخصات یک ملت اسلامی است و کلمه مهم لانتظلمون مشخصه تحت سلطه نبودن کفار می‌باشد. پروردگار هیچ راهی برای تسلط کفار بر مسلمانان قرار نداده است و هیچ مسلمانی نیز نباید این سلطه را بپذیرند.)) (امام خمینی ۱۳۸۰: ۴۰)

با توجه به اهمیت ایدئولوژی به عنوان یکی از عوامل مهم در سیاست خارجی، می‌توان در این راستا تاثیر و نقش پررنگ اصول و ارزش‌های نشأت گرفته از دیدگاه‌های اندیشمندان و فقیهان و مکتب اسلام را حائز اهمیت و تعیین‌کننده دانست. دولت‌های اسلامی با توجه به خصلت‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی خود سعی در تحقق ارزش‌های مکتبی و توحیدی، در راستای سیاست خارجی فعال، را در الویت این روابط قرار می‌دهند. (غفوری، ۱۳۷۸: ۹۱)

حفظ عزت و احترام مسلمانان، یکی از مهمترین هدفهای نفی و نهی دائمی تسلط کفار بر جوامع اسلامی است. بنابراین، براساس آموزه‌های دین مبین اسلام، دولت اسلامی نه به دنبال سلطه بر دیگری بوده و نه زیر بار ظلم می‌رود. همچنین قرار گرفتن و دادن جایگاه پر ارزش قاعده نفی سبیل در اندیشه حضرت امام و سیاستهای کلان توسعه‌کشوری به مشی و دستورالعملی مهم برای سیاست خارجی کشور مبدل شده است.

۵-۲-۵ عدالت سیاسی

اداره امور کشور به نحو شایسته را عدالت سیاسی می‌گویند برای زندگی در یک محیط عادلانه ادامه دهند.

باتوجه به معنای بالا همیشه یک رابطه منطقی و متعادلانه بین عدالت و سیاست برقرار کرد که در آن ساختار حکومت انتخابی قابلیت مسئولیت پذیری داشته باشند.

امام خمینی بعنوان یکی از مهمترین افرادی که گفتمان مقاومت اصولگرایی حول تفکر آن شکل گرفته مشارکت برابر را بعنوان شاخصه بارز عادات سیاسی معرفی می‌کند.

همچنین در اندیشه امام خمینی (ره) مفهوم عدالت یکی از مفاهیم کلیدی و تاثیرگذار بوده و دارای ابعاد گوناگون فقهی، فلسفی، سیاسی و .. می‌باشد، با توجه به اندیشه امام (ره) در باب

عدالت، می‌توان آن را در ارتباط با سیاست در چارچوب گفتمان سیاسی مطرح داشت. همچنین بایجاد جامعه، خویش را این مشارکت سهیم بدانند. عدم وجود تبعیض در مشارکت همگانی چنان باید احساس شود که همه افراد به حقوق خود برسند و نیز ضروری است که مردم در همه امور نظارت کند تا موجب رشد و آگاهی شوند (میراحمدی و شیری، ۱۳۸۸: ۸۳).

۶) مولفه‌های مقاومت فعال گفتمان اصلاح طلب در جمهوری اسلامی

۶-۱ مرکزی: اسلام دموکراتیک

اسلام دموکراتیک، نزدیکی زیادی با گمان لیبرالیسم غربی داشت. این گفتمان را می‌توان تجمیعی از دینداری و معنویت اسلامی با دستاوردهای سیاسی و اجتماعی تمدن غربی دانست. این گفتمان به مولفه‌هایی چون توسعه سیاسی، حقوق سیاسی مردم و دموکراسی، قانون مداری و مدارا با مخالفین تاکید دارد. همچنین این گفتمان در اجرای احکام فقهی به ویژه مجازات‌های اسلامی ضرورت و اهمیتی قائل نمی‌باشد. همچنین در برابر نظارت فقها و ولایت فقیه، بر شورا و دموکراسی تاکید داشته و به نحوی می‌توان عنوان داشت که رویکردی مصالحه‌آمیز با غرب را در الویت سیاست خود قرار می‌دهد. با توجه بر اصل سیاست خارجی، منافع ملی را جزء شاخصه و ضرورت ملزم آن می‌داند و تمایل چندانی به گسترش ابعاد جهانی انقلاب و آموزه‌های آن و تمایل به عدم صدور آن دارد.

نهضت آزادی و حزب خلق مسلمان را می‌توان دو حزب اصلی این گفتمان دانست. نهضت آزادی که دولت موقت را در اختیار داشت به دلیل بحرانهای پی در پی و ناکامی‌های دولت موقت و تشدید جو انقلابی آمریکاستیزی، دچار بحران شد و تفکرات از این دولت و گفتمان آن دور شدند که به انحلال آن منجر شد (حسینی زاده، ۱۳۹۵: ۲۷۷).

۶-۲ دموکراسی

مفهوم دموکراسی در بستر تاریخی و اجتماعی اروپای غربی رشد کرده و مسیر تحول و تکامل خود را در طول قرنهای متمادی طی نموده است. ریشه دموکراسی به اندیشه‌ی سیاسی یونان باستان باز می‌گردد. که به مفهوم دموکراسی مستقیم بود اما اکنون در دوران مدرن معنای آن تفاوت کرده است. مهمترین مولفه‌های دموکراسی مدرن عبارتند از: حقوق مدنی، اصل نمایندگی، تفکیک قوا، پارلمانتاریسم و مسئولیت پذیر.

همچنین اینکه این اصول در چارچوب موازین شریعت اسلام قرار می‌گیرد. به همین علت چنین مفهومی از مردم سالاری دینی به معنای جمع دموکراسی غربی با دین داری اسلامی مفهومی التقاطی و حتی به اعتقاد برخی از اصلاح طلبان بدعت در علم سیاست است.

دموکراسی یعنی ابطال پذیری دائم هر چیز، اگر دموکراسی با حقیقت همراه شود، خود را نقض می‌کند. بدین ترتیب دموکراسی (به عنوان ارزش و نه به عنوان روش) از لحاظ مبانی فلسفی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، با اسلام و آموزه‌های معرفتی و فرهنگی آن تفاوتها و تضادهای بنیادین دارد. دال مرکزی گفتمان اسلامی و مقاومت گرا حکومت مبتنی بر آن خداوند است، در حالی که دال مرکزی گفتمان دموکراتیک غربی و اصلاح طلب، اومانیسیم و سکولاریسم می‌باشد. از این رو گفتمان مقاومت با توجه به دال مرکزی و جوهره‌ی خود، دال‌های شناور دموکراسی غرب را بر نمی‌تابد، زیرا اگر دال‌های دموکراسی پایه مفصل‌بندی گفتمانی و هویت بخشی اجتماعی و سیاسی باشد، دال‌های گفتمان اسلام و مقاومت گرا را نقض و ارزشهای آن را باطل و وحدت فرهنگی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. در مقابل زمانی می‌توان سخن از دموکراسی را باطل و بیهوده دانست که دال‌ها بر دموکراسی حاکمیت یافته باشند. (بشیریه ۱۳۸۰: ۱۳۸-۱۰۵).

۳-۶ حقوق بشر

حقوق بشر مقوله‌ای غربی و از دستاوردهای مدرنیته است. این مفهوم برحق حیات، آزادی، برابری، مالکیت، مشارکت همگانی و ... برای هر انسانی بما هو انسانی و صرف نظر از هرگونه تفاوت تأکید می‌ورزد. به نظر بسیاری از هواداران دموکراسی، حقوق بشر بدین معنا جوهر دموکراسی است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۷۱).

حقوق بشر براساس اصل انسان‌گرایی مدرن، حاصل گسست انسان از ارزشهای کهن، بویژه دین تلقی می‌شود. از این رو بنابر ذات خود نمی‌تواند با دین، احکام قطعی و اصول خدشه‌ناپذیر آن سازگار افتد. اسلام‌گرایان بر اصول و ارزشهای ثابت و پایدار و حقایق تغییرناپذیر اسلامی استوار هستند. در غیر این صورت، جایگاه قدسی خداوند نادیده گرفته شده، و انسان به جایگاه خداوندی خواهد نشست. حقوق انسانها نیز توسط خالق آنها تبیین و تعریف می‌شود. بدین ترتیب حقوق بشر اسلامی به عنوان یکی دیگر از ناسازه‌های گفتمان اصلاح طلبی، فاقد انسجام نظری و سازگاری درونی و منطقی است (پور شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

۴-۶ آزادی

آزادی یکی از دال‌هایی است که در گفتمان اصلاح طلب برجسته سازی شده. از نظر سخنگویان گفتمان اصلاح طلب، انقلاب اسلامی دارای ماهیتی ضد استبدادی و آزادی خواهانه داشته است. بنابراین در جمهوری اسلامی، بر خلاف رژیم گذشته که دارای ماهیتی استبدادی بود و در آن مردم آزادی ابراز عقیده و بیان اندیشه خود را نداشتند، مردم باید احساس آزادی داشته و آزادی بیان و عقیده داشته باشند. از نظر آنان جمهوری اسلامی نه تنها بایستی آزادی های افراد جامعه را محترم شمرده و به آنها ملتزم باشد باید منادی صلح و آزادی و عدالت برای همه ملت های جهان باشد. و شرط صلاحیت حکومت این است که از حقوق مشروع مردم دفاع بکند. از جمله حق آزادی، حق ابراز نظر، حق رای. اگر آزادی وجود دارد، باید زمینه برای ابراز نظر و بحث و گفتگو وجود داشته باشد تا قدرت انتخاب میان نظر های مختلف وجود داشته باشد.

۵-۶ جامعه مدنی

جامعه مدنی را می توان مجموعه ای از نهادها و اجتماع هایی دانست که در بستر اجتماعی، تعدیل کننده روابط ساختاری و تسهیل گر ارتباط متقابل مردم و دولت است. در حوزه عمومی که ساختار روابط به گونه ای اجتماعی رقم میخورد، وجود سازمانهای غیردولتی خارج از ساختار دولت، موجب می شود توده های جمعی مردم بتوانند به صورت خودجوش، ارتباطی متقابل و مؤثر بین خود و دولت بنا نهند.

در جامعه مدرن باید حقوق برابر شهروندی شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، آزادی بیان، آزادی اجتماعات، حق مالکیت، آزادی اندیشه، حق اشتغال و سایر حقوق انسانی از دیدگاه جریان اصلاح طلب، برای همه شهروندان تأمین شود. شارع پور، ۱۰۰، ۱۳۸۱: ص ۲۷).

با توجه با نگاهی بدبینانه باید دانست که وجود دولت باید عامل تسهیل کننده جامعه مدنی باشد، و همچنین جامعه مدنی تمایل زیادی داشته تا در نیل به اهداف اقتصادی موفق باشد، که متقابلاً از طرف دولت موانعی را بر سر راه خود به وضوح مشاهده می کند. باید توجه داشت که در جامعه مدنی با توجه به توان مالی و نیروی انسانی و شرایط ذهنی اماده و پویا، منافع دولت و مدیران دولتی نباید موانعی را در ورود این جوامع به این عرصه را دچار معضل شدید و جبران ناپذیری کند. (میرزایی، ۱۳۸۶، ۶۰).

۷. مولفه‌های گفتمان انقلابی‌گری در جمهوری اسلامی

۷-۱ دال مرکزی: اسلام انقلابی

گفتمان اسلام انقلابی و تحول خواه بدنبال قرار دادن اسلام برای انقلاب است. براساس این نگاه اصل و دال اصلی انقلاب است و یکی از ابزار مهم برای انقلاب می‌توان به مفهوم اسلام اشاره کرد. ویژگی اساسی این گفتمان تک بعدی، دین اسلام است. نگاه شهید مطهری در این باب اینگونه است «اسلام و ارزش‌های اسلامی هدفی است که انقلاب اسلامی دنبال می‌کند و برای برقراری ارزش‌ها و الگوهای اسلامی تنها راه مبارزه و انقلاب کردن است. و در این میان به مبارزه با عنوان یک وسیله نگاه می‌کنند نه هدف تمام و کمال. ولی در این میان گروهی از افراد در این میان تفاوت قابل معناداری بین اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی قائل نیستند و آن را بعنوان هدفی برای رسیدن به آرمانهای خود می‌دانند. و تنها در این راه چیزی از اسلام را مورد پذیرش قرار می‌دهند که در مسیر مبارزه باشد خوب پس طبیعی است که با این تفاسیر متفاوت از قرائت اسلامی و انقلابی معانی و مفاهیم انسان و توحید و... با همدیگر متضاد هستند. و بین انسانها و اشخاصی که هدف را اسلام می‌دانند و با آنکه مبارزه را یک هدف می‌دانند و در حال آماده برای مبارزه است» (مطهری، ۱۳۳۸: ۵۵).

بنابراین احیاء و حفظ تفکر و جهت‌گیری انقلابی، شرط دستیابی به شعارها و آرمان‌هایی است که امام(ره) و امت در طول نهضت برای تحقق آن‌ها مبارزه کردند و با حفظ این روحیه است که می‌توان از مشکلات و موانع موجود کشور عبور کرد و به پیشرفت روزافزون ایران اسلامی سرعت بخشید. دستاوردهای بزرگ ایران اسلامی و نفوذ چشمگیر آن در منطقه نیز، ناشی از روحیه و عملکرد انقلابی است و نباید فراموش کرد که کنار گذاشتن آن، فرجامی جز بلعیده شدن در هاضمه استکبار جهانی نخواهد داشت. (امام خامنه‌ای، سخنرانی ۱۴/۰۳/۱۳۹۵) در واقع حفظ هویت انقلابی مردم و مسئولان، عامل اصلی قدرت و اقتدار ملی و ضامن ایستادگی ملت ایران در برابر دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب و مصونیت بخش کشور از تطاول و تعرض قدرت‌های استکباری است.

۸- شاخصه‌های انقلابی‌گری

۸-۱ شاخص‌های انقلابی‌گری

۸-۱-۱ پایبندی به استقلال همه جانبه

استقلال مجموعه‌ای از خودکفایی‌ها، خوداتکایی‌ها، بی‌نیازی‌ها و توانمندی‌ها است (مهدی

پور، ۱۳۷۶: ۵). استقلال یعنی تکیه بر خود و عدم وابستگی به هرکس دیگر (شعبانی، ۱۳۸۵: ۹۰). در این طرز تلقی، استقلال به معنای عدم دخالت قدرت‌های بیگانه در امور کشور و استقلال عمل دولت در برابر قدرت‌های خارجی است (ستوده، ۱۳۹۳: ۴۳). پس استقلال عبارت است از داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری همراه با اعمال این تصمیمها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت. همچنین می‌بایست استقلال کشور را در عرصه‌های حیاتی اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و در مقیاس و تراز داخلی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کرد. اگر این تعریف را تجزیه کنیم، سه عنصر قدرت تصمیم‌گیری، قدرت اعمال تصمیم گرفته شده و قلمرو حاکمیت قابل بازیافت هستند. بر این اساس چنانچه ملتی بتواند بدون تأثیر پذیری از محیط خارجی اعم از منطقه ای و نیروهای اثرگذار بین‌المللی، سازمانهای اقتصادی بین‌المللی (مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) و شرکت‌های چند ملیتی برای خود برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین کند آن را ملت می‌نامند (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۹: ۹۰).

پس باید توجه داشت که استقلال خواهی به محور اصلی شعارهای انقلاب و گفتمان انقلابی گری، که همگی بر قطع وابستگی از قدرت‌های غربی و استقلال همه جانبه ایران تأکید داشتند بدل شد (ستوده، ۱۳۹۳: ۴۴). از همان آغاز سیاست نظام پسا انقلابی در ایران بر محور قطع همه وابستگی‌ها شکل گرفت. سیاست خودکفایی و خوداتکایی، هم در حوزه کشاورزی و هم در حوزه صنعت به ویژه در بخش علم و فناوری موفقیت‌هایی را کسب کرد (محمدی، ۱۳۹۲: ۲۶).

یکی از جلوه‌های استقلال خواهی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، بی‌اعتمادی به غرب و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا است. انقلاب اسلامی ایران به سبب اهداف استقلال طلبانه اش نه تنها منافع آمریکا بلکه منافع و اهداف اسرائیل را در ایران و منطقه مورد تهدید قرار داد. در چهارچوب همین استقلال خواهی بود که علی‌رغم تمامی مشکلات داخلی، جمهوری اسلامی ایران از اجرای اصل تهاجمی نه شرقی، نه غربی بازایستاد.

۲-۱-۸ پابندی به مبانی، اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی

پابندی به مبانی انقلاب اسلامی یکی از موضوعات مهمی است که یک فرد انقلابی باید به آن اعتقاد داشته باشد و علاوه بر اعتقاد، در ترویج و نشر آن هم نقش داشته باشد و نسبت به آن ساکت و بی‌تفاوت نباشد، بلکه نسبت به آینده آن فعال باشد، به همین دلیل رهبری معظم بیان فرمودند که: اصول انقلاب، جهت‌گیری‌های فکری، شاخص‌های اصلی و شعارهای بنیادین انقلاب را

مشخص می‌کند که اسلام، قانون اساسی، رهنمودها و وصیت نامه امام خمینی اخذ می‌شود. (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۴/۰۴/۲۰). اما مبانی، اصول و ارزش‌های انقلاب کدامند؟ شناسنامه هر کشوری قانون اساسی آن کشور است، قانون اساسی در واقع مبانی، اصول و نوع حکومت‌ها را بیان می‌کند، انقلاب اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست، به همین دلیل امام خمینی (ره) در بدو ورود به ایران ۱۳۵۷/۱۱/۱۲ به هنگام سخنرانی در بهشت زهرا، تشکیل مجلس مؤسسان را به مردم وعده داد (امام خمینی، ۱۳۷۳: ج ۸). این مجلس که به مجلس خبرگان قانون اساسی نامگذاری شده به بررسی و تدوین قانون اساسی اقدام نمود و قانون اساسی را در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و مؤخره به انجام رساند و این قانون در تاریخ ۱۳۵۸/۰۹/۱۲ به تصویب نهایی ملت ایران رسید.

۳-۱-۸ حساسیت در برابر دشمن

حساسیت در برابر دشمن یکی از شاخصه‌های بارزی شات که که آیت الله خامنه‌ای برای یک فرد انقلابی مطرح کرد. مقام معظم رهبری با الهام گرفتن از آیه شریفه «فلا تطع الکافرین وجاهده به جهادا کبیرا؛ پس، از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن افران با جهاد فرهنگی بزرگی با آنان مبارزه کن» (فرقان ۵۳) یکی از شاخص‌های مهم انقلاب و انقلابی ماندن را عدم تبعیت از دشمن نامید و این عدم تبعیت را با الهام از قرآن کریم «الجهاد کبیر» معرفی کرد و در تشریح آن فرمود: دشمن را بشناسیم، نقشه‌های او را تشخیص بدهیم، بر روی کارهای او، حرفهای او، اظهارات او حساس باشیم و در مقابل زهری که او احتمالا خواهد ریخت، پادزهر فراهم کنیم و آماده باشیم برای اینکه حرکت او را ختتی کنیم. این، حساسیت در مقابل دشمن است. بایستی حادثه انقلاب و حقیقت انقلاب، دائم در ذهن و دل ما زنده باشد، باقی باشد. جبهه دشمن اتفاقا روی همین نقطه تکیه دارد. (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۱۱/۱۹).

۳-۱-۴ تقوای دینی و سیاسی

تقوای دینی و سیاسی غیر از تقوای فردی است که البته آن هم لازم است. اسلام علاوه بر تقوای فردی، به تقوای اجتماعی نیز دعوت می‌کند و منظور این است که در راه تحقق اهداف و ارزش‌های اجتماعی اسلام تلاش کنیم. تقوای سیاسی جزئی از تقوای اجتماعی است و بدین معنی است که انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز نماید.

۵-۱-۸ همت بلند برای رسیدن به آرمانها

با توجه به رسیدن به آرمانهای انقلاب و فراز و فرودهای گریز ناپذیر در این مسیر، نباید هرگز از رسیدن به اهداف بلند انقلاب منصرف نشویم. به این معنی که به وضع موجود راضی نشویم، بلکه به دنبال تحول مثبت باشیم و به سمت آرمان‌ها پیشروی دائمی داشته باشیم. لازمه این امر هم تسلیم نشدن در مقابل موانع و فشارهای داخلی و خارجی است. نقطه مقابل این شاخص عبارت است از: تنبلی، محافظه‌کاری و ناامیدی و امید بستن به دشمن.

(<https://www.iribnews.ir/008IGF>)

۲-۸- شاخص های سلبی انقلابی گری

در تبیین این شاخص ها به دنبال اصلاح برخی تصورات غلط از انقلابی گری هستیم.

۱-۲-۸ انتظارات مشابه از همه انقلابیون در یک سطح

یقیناً این امر خطا می باشد که ما از همه کسانی که انقلابی هستند، یک نوع عمل انقلابی یا یک درجه از انقلابی گری توقع داشته باشیم. انقلابی گری درجات مختلف دارد، بنابراین ممکن است افرادی که در مسیر انقلاب و رعایت شاخص‌های آن حرکت می‌کنند، به یک درجه نباشند؛ دسته‌ای با جدیت و شدت بیشتر و گروهی کند و آرام‌تر حرکت کنند. در نتیجه خطاست که برخی بخواهند افرادی را که خوب یا کامل در این مسیر حرکت نمی‌کنند، متهم به غیر انقلابی یا ضد انقلاب کنند.

۲-۲-۸- انحصار داشتن گفتمان و روش انقلابی برای خواص

این خطا است که گمان شود انقلابی فقط آن کسی است که در دوران امام(ره) حضور داشته، یا در دوران مبارزات در کنار امام(ره) بوده است. انقلاب برای همه است؛ بنابراین جوان‌ها هم می‌توانند انقلابی باشند. حتی جوانان می‌توانند با رعایت درست شاخص‌های ایجابی انقلابی بودن، از انقلابیون سابقه‌دار هم انقلابی‌تر شوند.

۳-۲-۸ تحریف انقلابی گری به معنای افراطی گری

بدون شک افرادی که دوگانه تندرو - میانه‌رو را مطرح می‌کنند و از این طریق نیروهای انقلاب را به افراطی گری متهم می‌کنند، در حقیقت در نقشه دشمن بازی می‌کنند. باید مراقب بود به‌خاطر القائات دشمنان، افرادی که از ارزش‌های انقلاب و اصالت‌های نظام دفاع می‌کنند، به‌خصوص جوانان مؤمن و انقلابی، تندرو خطاب نشوند.

متأسفانه برخی از مسئولین به بهانه و اتهام افراطی‌گری، جوانان مؤمن و انقلابی را طرد کرده و به‌جای استفاده از آن‌ها در دستگاه‌های مختلف، آغوش خود را برای عناصری که اسلام و انقلاب

را قبول ندارند باز می‌کنند. از این رو دستگاه‌های مختلف دولتی به‌خصوص فرهنگی حتماً باید از جریان‌های خودجوش مؤمن و حزب‌اللهی استفاده کنند و آن‌ها را گرامی بدارند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، از بین روش‌های موجود گفتمانی، روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به عنوان روش مختار پژوهش انتخاب گردید. یکی از دلایل انتخاب روش گفتمان لاکلا و موفه این بود که روش‌های گفتمانی از فوکو تا فرکلاف واجد نوعی نسبت اندیشی هستند که برای بررسی فضاهای اسلامی مناسب نیست، اما روش لاکلا و موفه با داشتن مفاهیمی نظیر انسداد معانی و وقته‌ها، تا حدودی از نسبی‌گرایی فاصله گرفته است، دلیل دیگر جامعیت روش لاکلا و موفه و همچنین تعمیم بررسی پدیده‌های اجتماعی به حوزه سیاست می‌باشد. وجود عناصر نظیر دال مرکزی، دال‌های شناور، زنجیره هم‌ارز، قابلیت دسترسی، اعتبار و هژمونی در گفتمان، امکان بررسی دقیق پدیده‌ها را ممکن می‌سازد. ترکیب دال مرکزی با دال‌های شناور در زنجیره هم‌ارزی گفتمان، نظام معنایی آن را تشکیل می‌دهد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه ایران به صحنه نزاع گفتمانهای مارکسیستی، ملی‌گرایی، اسلام‌گرایی چپ و لیبرال و اسلام سیاسی فقهاتی، تبدیل و این منازعه‌های سیاسی از دوره انتصاب مهندس مهدی بازرگان آغاز و تا سقوط و عزل بنی صدر ادامه یافت و در نهایت گفتمان اسلام سیاسی با توجه به پایگاه توده‌ای گسترده، رهبری امام خمینی و توانمندی در جذب و متصل بندی مفاهیم گفتمان‌های ضد، به عنوان گفتمان غالب، ساماندهی جامعه ایران را در اختیار گرفت. گفتمان اسلام سیاسی از چند خرده گفتمان تشکیل شده بود که این خرده گفتمانها هر کدام، موضع‌گیری متفاوتی نسبت به هم داشتند. یکی از این خرده گفتمان‌ها جریان اصلاح طلب در ساختار جمهوری اسلامی است. گفتمان اصلاح طلبی با تاکید بر دال اصلی خود اسلام دموکراتیک با برجسته کردن دال‌هایی چون جامعه مدنی، آزادی، حقوق بشر، قانون‌گرایی بر دموکراسی مهر تأیید می‌زد و با تکیه بر اخلاق و باورهای مذهبی، دستاوردهای مدرنیته را می‌پذیرفت و در این میان در شکل افراطی آن نسبت به دین اسلام نگاه حدقلی داشته‌اند و در سعی ایجاد ارتباط و تطبیق ساختار اسلام با نظام و تفکر مدرنیته برآمدند.

از سوی دیگر گفتمان اصولگرا با تاکید بر اندیشه اسلام سیاسی با ارجاع به مفهوم جامعیت

بشریت، دین را دستور العمل جامع زندگی می‌داند و یکسری مفاهیم چون عدالت سیاسی، نفی سبیل، حمایت از مستضعفان را بعنوان مهمترین مولفه های خود تعریف می‌کند. به همین دلیل، شاخص های چون آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و قانون گرایی در این گفتمان، در چارچوب معنایی جدید به کار می‌رود. و در بین این دو جریان اصلی جریان گفتمان انقلابی گری با تاکید بر معیار و شاخص های اساسی مثل استقلال، اسلام انقلابی، پایداری به شاخص ها و معیارهای انقلاب اسلامی و حساسیت نسبت به دشمن تاکید می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰). صحیفه امام (۲۱جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- امیری، جهاندار (۱۳۸۳). روشن فکری و سیاست، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). درس‌های دموکراسی برای همه، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن ۲۰، تهران: نشر نی.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی (۹۴/۱۱/۱۹)
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۵). نظریه گفتمان و مطالعات اسلامی، علوم سیاسی، ۹(۳۵)، ۲۶۱-۲۸۴.
- روی، الیور (۱۳۸۸). نه نبرد میان فرهنگ ما و نه گفت‌وگو میان آن‌ها، ترجمه علی محمد طباطبایی، تهران: انتشارات گفتمان.
- ستوده، محمد (۱۳۹۳). نقد و بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سلطانی، اصغر علی (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، علوم سیاسی، ۷(۲۸)، ۱۵۳-۱۸۰.
- غفوری، محمد (۱۳۷۸). اصول دیپلماسی در اسلام و رفتار پیامبر، تهران: نشر مهاجر.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۸). تجددطلبی و توسعه در ایران امروز، تهران: نشر مرکز.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۹). مواجهه غرب و اسلام سیاسی در دوره معاصر (چستی و چرایی آن)، علوم سیاسی، ۱۳(۴۹)، ۶۵-۹۴.
- خرسند، محمدصادق (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی دو گفتمان اسلامی و غربی توسعه سیاسی در ایران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲). تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (از مشروطه تا خاتمی)، علوم اجتماعی، ۳(۹)، ۱۸-۳۵.
- سلیمانی، محمداقبر (۱۳۷۹). بازیگران روند صلح خاورمیانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- مریم، عبدالرحیم، مختاری، دهقانی(۱۳۹۴). تحلیل جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه با تأکید بر مؤلفه‌های شرق‌شناسی ادوارد سعید. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۳(۷)، ۸۹-۱۱۲.
- فرزندی اردکانی، عباس علی(۱۳۸۶). مبانی نظری صدور انقلاب از منظر اما خمینی (چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب)، پژوهشنامه متین، ۹(۳۶)، ۹۷-۱۱۸.
- قاسمی، علی(۱۳۹۶). ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی، آفاق امنیت، ۱۱(۳۸)، ۵-۳۴.
- مقدمی، محمدمتقی(۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن، معرفت فرهنگی اجتماعی، ۲(۲)، ۹۱-۱۲۴.
- منوچهری، عباس(۱۳۹۰). نظریه‌های انقلاب، تهران: انتشارات سمت.
- میرسلیم، مصطفی(۱۳۸۴). جریان شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز بازشناسی ایران و اسلام.
- میلز، سارا(۱۳۸۸). گفتمان؛ ترجمه فتاح محمدی، چاپ دوم، زنجان: نشر هزاره سوم.
- مرتضی مطهری(۱۳۳۸). پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران.
- میرزایی؛ شهرداد(۱۳۸۶). ایران آینده از نگاه سه اندیشمند ایران امروز: موسی غنی نژاد، حسن عشایری و رضا منصوری. ویراستار مرتضی رضایی منش. تهران: دیبایه.
- ناظمی اردکانی، خالدیان(۱۳۹۷). مؤلفه فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۷(۲۶)، ۵۹-۸۶.
- نش، کیت(۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه محمدمتقی دلفروز، تهران: کویر.
- هزاوه‌ای، سید مرتضی؛ باوریان، فریده(۱۳۹۷). بازشناسی مهمترین اصول فکری-ایدئولوژیکی و بسترهای سیاسی-اجتماعی پیدایش جریان روشنفکری دینی در تاریخ معاصر ایران، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ۸(۳)، ۱۷۶-۱۵۳.

Fairclough, Norman (2001), *language&power*, London: Longman

Laclau, E (1990), *New reflections on the evolution of our time*, London: verso.

Laclau, E. & Chantal mouffe (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a*

Michael Payne, *A Dictionary of Cultural and Critical Theory*. first Published in UK & U.S.A Blackwell publishers, 1996. PP 144-148

Philip Babcock Gove. Webster's Third New International Dictionary U.S.A
1981, p.541
<https://www.iribnews.ir/008IGF>